

■ در حالی که در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی جریان‌های چپ و ملی‌گرای ناسیونالیست عربی پرچم مبارزه را در دست داشتند و شکست‌هایی را متحمل شدند، ظهور یک قدرت با هویت دینی، جریان‌های مذهبی و اسلامی را در فلسطین زنده کرد. باور به نقش و هویت ایمانی و اسلامی در مبارزه انقلاب اسلامی ایران انگیزه اصلی خیزش و رستاخیز اسلامی در فلسطین اشغالی بویژه در نوار غزه و کرانه باختری رود اردن محسوب می‌شود

پنجشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۰
 وطن امروز | شماره ۳۲۰۲

سیاست

ارش

درس تاریخ به شاگرد

ادامه از صفحه اول

تکلیف مهم این است که میرزا آقاخان نوری، عنصر وابسته به سفارت انگلیس و دارای روابط نزدیک با «مهدعلی»، طی نامه علاطه و شادی از آن که فرزند خلیف عباسمیرزا، حاکم خراسان و هرات را از خطر جدایی از ایران نجات داد و ماندن، نادر، غلام فتح وید و این بار برای استخلاص آن سرزمین از استعمار انگلیزی، خواست هرات را ترک کند؛ یعنی دستاورد این پهلوی، تسلییم شورشیان نادر دایلمت باقی‌مانده کشورمان خاطر نشان کرد: در این وقایع تاریخی و فرمانروایی سیاسی کشور، ابتدا در دست امیر کبیر بود که توانست به پاس صیح و وطن پرستانه‌ای از استفاده میانی میراث سردار رشید ایران یعنی میرزا اسفندیار و هرات خراسان و هرات رانجاند و دولتی زمانی که مرکزیت سیاسی کشور در اختیار ملت «مهدعلی» «میرزا آقاخان» و «سفارت انگلیس» قرار گرفت، آن فاجعه تاریخی به وجود آمد و موجب جدایی هرات از ایران شد.

■ **علت مخالفت فرنگریان برای ارتقاء با روسیه چیست**

ولایتی به موسومین سرزمین تاریخی در مقطع پیروزی انقلاب اسلامی اشاره کرد و گفت: در ابتدای حکومت جمهوری اسلامی ایران، تلاش‌های بسیار ارزشمندی در جهت اعمال سیاست موازنه منفی، یعنی عملیاتی شدن شعار محوری «نه شرقی - نه غربی» انجام شد و الحق حیات از مردم افغانستان، جمهوری مردم فلسطین از یک دیگ که در هر دو آنها جمهوری اسلامی ایران، به صورت متوالی در جهت مقابله با سلطه بیگانه چه غربی و چه شرقی تلاش کرد و بهای سنگینی برای آن پرداخت، نشانگر دیوار عمیق و وسیعی از اسلامی بود. وی ادامه داد: بعد از فروپاشی شوروی، روسیه از یک کشور با وزن یک قدرت بزرگ به یک قدرت کوچک و ناتوان گذار و در قتل و انفاعات جهانی تغییر کرد و به تعبیر حضرت امام خمینی (ره) عملاً از میان مارکسیستی راه به موزن تاریخی سیاسی کشور سپرد. وزیر اسبق امور خارج اظهار داشت: وقتی آن کشور دیگر جمهوری در تأسیس حکومت جهانی «پروتلاریا» نداشت، تنهایی اسلامی ایران تصمیم گرفت با آن دولت، به عنوان یک همسایه مقتدر و صاحب تکنولوژی درجه یک، دوستی و همکاری و فضای حتی پیشرفته‌تر از (امریکا) در این حوزه، رابطه برقرار کند و از آن پس «فرنگریان» و «غرب و دستان»، از جمله نهایی که مارک فرنگریا را نازند اما دلبسته غرب هستند، به مخالفت با برقراری رابطه معقول براساس احترام متقابل، متفق و برابر و عدم مداخله بر امور داخلی کشور با روسیه برخاستند. «فرنگریان» به با عوام فارسی و تکیه بر ذهنیت‌های تاریخ گذشته، مبتنی بر برداشت سلطه‌جویانه کمونیست‌های جهان با محوریت مسکو، با تبلیغات پنهان و آشکار، بر دایره راهبردی با روسیه را مورد تهاجم قرار دادند و با دو گریز دایلی و اقناع غیرمستقیم این روس‌ستیزان دلبستگی بعضی ایرانیان را فراموش نسبت به غرب، نسبت به کشور بوده و اغلب طبقه تحصیلکرده و کل ایرانیان خارج از کشور بوده و رسانه‌های بین‌المللی هستند، می‌خواهند ایران را کشورهای غربی مبتنی بر تسهیلات و اسان‌گریز و با رفت و آمد بین ۲ طرف پانصد

■ سیاست بدون قدرت امکان توفیق ندارد

وزیر اسبق امور خارجه تصريح كرد: هر كدام از افراد كه مرهمي مسلمان از ايران دوست داشته باشند، مي توانند به عنوان «مستوسط باخدا» به سفارت و اقوام و ديوتاين گيرم. اقيم در ارتباط باحادثه، مي توان گفت ۱۰ ميليون نفر طالب ارتباط متعارف با غرب هستند در حالي كه تعداد ايرانيان موجود در كشورهايي مانند روسيه و چين، بسيار اندك و غير قابل مقايسه با ايرانيان اقيم در غرب است، ولايتي خاطرنشان كرد: شهيد زكي مرگ ما، مسيهيد حاج سلسله سياسي كه يكي از مصاديق ارزشمند قهرمانان بزرگ ايران و همچون عباس ميرزا ميراثدار ايران در قتلدمند زيور اهل بيت (ع) بوده است، هم مصاديق تدبير شجاعانه مي داند و به ماري اقداد راهبردي در حريصت سياسي كشورهاي اسلامي و در ورست ارزشمند در جهت اجراي تدابير تعيين كننده مقام معظم رهبري در حوزه سياستگشاي منطقهاي انجام داد و ورست زغامي كه بيش از ۸۰۰ كشور با محوريت امريكا و اروپا و ايرانيان در حوزه هاي بين المللي و تهاج نظامي، عرصه را بر سوريه تنگ كرده بودند و در چند سال اول، فقط ايران بود كه از اسقوط سوريه توسط امريكا و همچنينستها با پايوبي كورسويه ذليل منطقهاي جلويگري مي كرد، توانست رورهاها را قانع كند به كمك يابيدن و ا هم در رفتن زحمات و فداكارايهاي چند ساله ايران و سوريه و حزبالله جلويگري و پيروي نهايي سوريه را قطعي كرد. وي افزايد: كسان كه نانداز گر تدبير مقام معظم رهبري را اجرا مي افروفت سرباز نبوده سوريه و متعاقب آن عراق ديوار مشکلات عديده مي شدند و سروش آنها اين نبود كه امروز شاهد آن هستيم و به اين ترتيب، حزبالله و حماس و نوجاد اسلامي نيز تحت فشار قرار مي گيرند كه معلوم نبود در مقابل اسلحه يادي شيطان بتوانند انظور كه امروز ايستادمانده، مقاومت كنند. ورست از سبق امور خارجه در جمع بندي اين بحث گفت: بعضي به اين واقعيت توجه نانداز كه سياست بدون قدرت، امكان توفيق ندارد، اگر نه كشورهاي كوبيك و چين ذره بيني، اين امكان را داشتند كه سروش نبايد در دست بگريند.

■ **میدان مقتدر** نیازمند سیاستمدار مقتدر است

لاریانی با تأکید بر اینکه یک میدان مقتدر، نیازمند سیاستمدار مقتدر و بصیر برای حرکت با اقتدار تاوم با هدف است. در صحنه بین‌المللی است؛ افزود: سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، در «مقاومت حول محور بیداری اسلامی» معنی پیدا می‌کند. وی اضافه کرد: امروز از یک زمین تا عراق و سوریه و لبنان و فلسطین، خط مقاومت و اتحاد کلمه هر روز برترنگ می‌شود، مدیون سیاست است ایران، جمهوری اسلامی ایران و بدون حرکت در جهت این فکر، هیچ دلیل دیگری برای اتحاد کلمه بین کشورهای اسلامی با سابقه طولانی مبارزه علیه صلیبیون، استعمارگران و صهیونیسم وجود ندارد. وزیر اسبق امور خارجه با بیان اینکه با تعارفات و تشریفات، هیچ کس جان خود را از ایران و لبنان و فلسطین و فلسطین و عراق و سوریه و ایران و لبنان و فلسطین نخواهد کرد، گفت: توفیق متواضعانه و درآوردن اینجانب به دوستان سیاستمدار جمهوری اسلامی ایران این است که قدر شهدای گرانقدر ایران، عراق، سوریه، لبنان، فلسطین و یمن را بدانیم و در مسیر تعظیم افراد بزرگان «در چمدان تجدید حیات اسلام»، قبل نظایم فرود آوریم و همان‌طور که آنها از جان خویش گذشتند، ما هم از خودی خویش بگذریم.

گزارش «وطن امروز» از نقش سپاه قدس در جلوگیری از **دیپلماسی انفعالی** در غرب آسیا و پاسداری از آرمان آزادی فلسطین

رزمندگان بدون مرز

«سپاه قدس را به عنوان یک مجموعه و سازمان اداری صرفاً ننیمیم، بلکه به عنوان یک نهاد انسانی و دارای انگیزه‌های بزرگ و روشن انسانی مشاهده کنیم... سپاه قدس یک نیروی است که با سعه صدر به همه جا و همه کس نگاه می‌کند. رزمندگان بدون مرز، زندگانی که هر جا نیاز باشد در آنجا حضور پیدا می‌کنند؛ خود را با لاکرمان مقدسات و حریم‌های مقدس می‌کنند... آن وقت همین‌ها هستند که می‌روند و سایه جنگ و ترور و تخریب را از کشور خودمان هم دور و دفع می‌کنند... بخش مهمی از امنیت میهن عزیز ما محصول کار همین جوان‌های مؤمنی است که سال‌ها تحت فرماندهی سردار شهید عزیمان کار و تلاش کردند». اینها بریده‌هایی از کلام رهبر حکیم انقلاب اسلامی درباره «سپاه قدس» است که در خطبه نماز جمعه ۲۷ دی‌ماه ۱۳۹۸ بیان فرمودند. نیروی که به فرماندهی سردار شهید حاج‌قاسم سلیمانی، نه تنها آوازهاش در ۴ گوشه دنیای پیچیده، بلکه مهرش در قلب همه مستضعفان و آزادی‌خواهان جهان ریشه دوانده است. رهبر معظم انقلاب در سخنرانی اخیر خود که به مناسبت روز معلم و روز کارگر ایراد شد، جمله‌ای را با تعبیر تحسین‌برانگیز درباره سپاه قدس بیان کرد که تا مل در آن بسیار حائز اهمیت است. ایشان در بخش پیاپی سخنان خود بعد از اشاره به مطالب قابل توجه منتشر شده در سخنان وزیر امور خارجه، اظهار داشتند: نیروی قدس بزرگ‌ترین عامل جلوگیری از دیپلماسی انتقالی از غرب آسیا است. این جمله کلیدی، نیازمند دو تبیین ۲ موضوع است: یکی تبیین کلیه‌ی دیپلماسی انتقالی و شاخص‌های آن و دیگری زیربنای سپاه چگونگی انتقالی‌سازی این نوع دیپلماسی در منطقه غرب آسیا از سوی سپاه قدس. به همین علت تلاش کردیم در گفت‌وگو با کارشناسان و صاحب‌نظران مطالعات خاورمیانه و روابط بین‌الملل، تصویر روشن‌تری از این ۲ موضوع استراتژیک را ترسیم کنیم.

سپاه قدس پروژه صهیونیستی «از نیل تا فرات» را ناکام گذاشت

خیزش و رستاخیز اسلامی در فلسطین اشغالی پیوسته
در نوار غزه و کرانه باختری رود اردن محسوب می‌شود. اکنون پس از چند دهه جریان‌های چپ، مارکسیستی یا سوسیالیستی و ناسیونالیسم کمترین نقش را در میان جریان‌های مقاومتی ضدصهیونیستی دارند و نقش و اهمیت اسلام، جهاد و شهادت در خون تمام جریان‌های مقاومت فلسطین جریان دارد. دستاوردها و ایستادگی جریان‌های اسلام‌گرا مقاومت موجب شده کارآمدی این هویت برای امت اسلامی و فلسطین به یک باور تبدیل شود. این مساله و ویژگی‌ها با توجه به پیروزی‌های محور مقاومت علیه رژیم صهیونیستی در ۲ دهه اخیر، بسیار مورد توجه قرار دارد.

امام‌رضا پایان باز دیگری روز قدس باید یک نکته را یادآور شد. تبیین چرایی و عقلایی بودن آرمان فلسطین، رفع شبهات کهنه درباره فلسطینیان و جریان‌های مقاومت و در نهایت اجتماعی کردن مسأله فلسطین، مسأله‌ای است که باید بیش از گذشته به آن توجه شود. اگر چه دوگانه میدان و دیپلماسی به بهانه‌های انتخاباتی مطرح شده اما در میان افکار عمومی نیاز به پاسخی دقیق و به دور از سیاست‌زدگی دارد.

برای تداوم راهبرد منطقه‌ای جمهوری اسلامی با محوریت ضدیت با آمریکا و رژیم صهیونیستی، در مرحله نخست اقناع و همراهی افکار عمومی و نخبگان سیاسی انقلابی و حتی غیرانقلابی باید انجام شود؛ در غیر این صورت چالش‌های موجود در حمایت از جریان‌های مقاومت فلسطینی، کار را دشوار خواهد کرد.

منظور از اجتماعی کردن این است که یک موضوع و مساله برای افکار عمومی ملموس و قابل درک شود و افراد با این مساله توانایی به هم پیوستن و از زندگی داشته باشند. تعریف اقدامات جدید مردمی و افزایش نقش آفرینی نهادهای مردمی، فراهم کردن بستر ارتباطات مردمی و غیردولتی، روایت زندگی اجتماعی فلسطینیان و بخشی از اقدامات است که می تواند مساله فلسطین را اجتماعی کرده و آران آزادی قدس را نهادهایی و اجتماعی کند. تداوم مساله سیاست ترکیبی در تکرار شعارها و اکتفا به اقدامات نامدین در حمایت از فلسطین (مثل راهپیمایی روز قدس و...) طی ۴ دهه گذشته موجب شده آران فلسطین در بنده اجتماعی جامعه نهادهی نشود و افراد با این مساله هم پیوستن و از زندگی نکنند. تقصیری که برای رفع آن باید کم همت بست.

نقشه پروژه اسرائیلی از نیل تا فرات موسوم به اسرائیل بزرگ

برای سیطره بر کل منطقه یک به یک نابود کرد. به نوبه خودی که اکنون رژیم صهیونیستی با کشیدن دیوار دور دور خود از نوار غزه تا مرزهای لبنان واردن سعی دارد جودیت پوشالی خود را حفظ کند.

[illegible]

همچنین باید اشاره کرد یکی از مهم‌ترین تأثیرات
یادین انقلاب اسلامی بالاخر در مساله فلسطين
گشت اسلام به متن مبارزه است. در حالی که در
مه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی جریان‌های چپ
ی‌گرای ناسیونالیست عربی پرچم مبارزه را در دست
گرفتند و شکست‌هایی را متحمل شدند، ظهور یک
دولت با هویت دینی، جریان‌های مذهبی و اسلامی را
فلسطين زنده کرد، باور به نقش و هویت اجماعی
اسلامی در مبارزه انقلاب اسلامی ایران انگیزه اصلی

محمد محسن فايضی
کارشناس مسائل فلسطین

پس از انتشار صوت محمدجواد ظریف، دو کاریکاتوری و اشتباه «میدان» یا «دیلیماسی» در گوشه کنار مطرح شده است. اما میدان یا دیلیماسی نه تنها در نظر مقابل هم نیستند بلکه در تکمیل کننده و کنش‌گری یکدیگرند. واقعیت‌های موجود در منطقه غرب آسیا و تجربه یک دهه کنش‌گری جمهوری اسلامی در منطقه نشان داده، این میدان و بازوی اقتصاد کشور بوده که توانسته کشور را به خواسته خود و اقتدار برساند. دلیل اصلی این تقویت، ماهیت اصلی منطقه وجود مؤلفه‌های منطقه‌ای است. اصلی‌ترین مؤلفه‌های منطقه شکل‌دهنده معادلات، برپنده رژیم صهیونیستی و فلسطینی است؛ برپنده‌ای که پس‌بازی از تحولات دهه‌های اخیر آسیایانه انداخته است. از تقابل یا پیروزی انقلاب اسلامی تا جبهه‌بندی‌های منطقه‌ای و حتی سیاست‌های کلان آمریکا و روسیه در خاورمیانه اسرائیل مؤلفه‌ای است که به‌رور بسیاری از تحلیلگران تمام‌میدان مانند مرشایدیه دلیل نخست ورود اتالیقان بنده به جنگ عراق بوده است. آنچه منطقه را به شکل داده، کنش، توطنه، ماهیت و جایگاه رژیم اشغالگر به عنوان یک غده سرطان‌ای است در میان جهان اسلام و سرزمین‌های رژیم اسلامی است. خمینی (ره) در ارتباط با اهداف اساسی رژیم صهیونیستی می‌فرماید: «این جزئیته فساد است که در قلمرو کشورهای اسلامی گماشته‌اند، تنها برای سرکوبی ملل عرب نیست، بلکه خطر و ضرر آن متوجه همه مناطقی است. نقشه، استبداد و سیطره صهیونیسم، استعمار بر دنیای اسلام و بیشتر سرزمین‌های زرخیز منابع سرشار کشورها را می‌پاشد».

جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از بازی میدانی و دیپلماتی، با حضور بی‌پایان و صحیح‌حاشا میثاقی نوشته‌ای طی ۴ دهه در مساله فلسطین، با حمایت گروه‌های مقاومت و زنده نگه داشتن مبارزات مسلحانه علیه رژیم صهیونیستی، تأثیر عمیقی در منطقه بخاورد. و از سیاست انفعالی عبور کند. حمایت و توسعه توان نظامی حزب‌الله، حماس و جهاد اسلامی منجر به تحمیل شکست‌های بزرگی بر یکی صهیونیست‌ها مانند خروار لبنان، جنگ ۲۰۰۶، روزه و مقاومت‌های ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴، ۱۵، روزه شد. این شکست‌ها سناریو و برنامه صهیونیست‌ها را

سپاه قدس سایه جنگ را از سر ایران برداشت

دکتر فؤاد ایزدی: دیپلماسی سپاه قدس، «دیپلماسی تولید قدرت» است و دیپلماسی انفعالی دیپلماسی «واگذاری قدرت»؛ اولی امتیاز می‌گیرد، دومی امتیاز می‌دهد

نهبهای که از لبنان و سوریه تا پاکستان و عراق و افغانستان
بسیار در آن حضور دارند، خود همین ایجاد همگرای
این بین‌المللی‌های مختلف، نیازمند یک دیپلماسی در قبال
کار بوده که از سوی سپاه قدس انجام شده است. در واقع
ن سپاه قدس بود که توانست سایه جنگ را از سر کشوی
دارد، نه دیپلماسی انفعالی وزارت امور خارجه. دیپلماسی
سپاه قدس، «دیپلماسی تولید قدرت» است و دیپلماسی
تغیالی، دیپلماسی «واگذاری قدرت»، اولی امتیاز می‌گیرد
مومی امتیاز می‌دهد، شما تمام کتاب‌هایی را که در حوزه
طالعات راهبردی و استراتژیک نگاشته شده‌اند ببینید، همه
نهادها شخص‌های فزونی یک کشور را احصا می‌کنند، این
رونداند میزان نفوذ یک کشور در سایر کشورها، یک مؤلف
قدرت برای آن کشور حساب می‌شود. سپاه قدس توانست
دولت محور «بروند فلسطین» و مقاومت در آن راه، آن
مومی از سرمداران عرب به آرمان فلسطین حیات یک کشور
ن سپاه قدس بود که امکانات جهان اسلام را برای آزادی
لسطین تجهیز کرد و همین مساله به یکی از مؤلفه‌های
جمهوری اسلامی در جهان اسلام تبدیل شد؛ موضوعی
که طبیعتاً برای جمهوری اسلامی علاوه بر پایبندی
به آرمان‌های انسانی و اسلامی، تولید قدرت سیاسی
و امنیتی نیز کرده‌است. اگر بپنداریم فلسطین به سبب
قدس و اگذار نشده بود، این‌ها ما این اقتدار
را در خاورمیانه نداشتیم و امروز بدین برآورد
تأمین امنیت خود در برابر اسرائیل
باز هم مسیر مذاکرات
دادن امتیاز را در پیش
گیریم که آن هم دردی
را دوا نمی‌کرد و مشخص
جنگ را به مرزها
بلکه داخل مرزهای
می‌کشید.

■ آقای دکتر ابراهیم معلوم انقلاب در سخنرانی اخیرش فرمودند نیروی قدس مهم‌ترین عامل جلوگیری از درگیری‌های افغانی در غرب آسیا بوده است. من شخصاً سوال از حضرت تعالی دارم؛ یکی اینکه کالیذره «دیپلماسی افغانی» دقیقاً ناظر بر چه رویکردی در سیاست خارج است و دیگری اینکه سپاه قدس چگونه توانسته است «دیپلماسی افغانی» را در منطقه غرب آسیا سختی کند؟ از نظر من «دیپلماسی افغانی» یعنی تمکین به وضوح موجود و تبعیت از چارچوب‌های تعیین شده از سوی هژمونی ابرقدرت‌ها. دیپلماسی افغانی به دنبال ایجاد قدرمونسبت، کم‌به دنبال این است تا بدون امتیاز، طرف مقابل را راضی کند که بخشی از نیازهای کشور را برآورده کند در حالی که یک دیپلماسی فعال، با ایجاد قدرت، دشمنش را مجبور به دادن امتیاز می‌کند و این کار است که سبب قدس انجام داده است.

شما می‌بینید در یک ماه، چندین بار مقامات رژیم صهیونیستی ایران را تهدید به حمله نظامی می‌کنند ؟ چرا حمله نمی‌کنند؟ جواش این است که سپاه قدس توانسته با توانمندسازی جنبش‌های ضداسرائیلی و نهضت‌های رهایی‌بخش فلسطین در منطقه و ایجاد همگرایی بین آنان، زمین جنگ را به همسایگی سرزمین‌های اشغالی ببرد.

خود این فعالیت که یک اجماع منطقه‌ای بین گروه‌های مختلف مبارز علیه اسرائیل ایجاد شود و اینها یک شبکه منسجم را تشکیل دهند که ما امروز آن را تحت عنوان جبهه مقاومت می‌شناسیم ؛

بردار قاتلی از نگاه صهیونیست‌ها



خالی از لطف نیست که
خیلی گذرا نگاهی بیندازیم
به تصویر و تحلیل رسانه‌های
اسرائیلی از شخصیت
فرمانده جدید سپاه قدس.
از همان روزهای اول ترور
سردار شهید سلیمانی،
رسانه‌های غربی و عبری

به دنبال تحلیل شرایط سپاه قدس بعد از ترور سردار سلیمانی بودند. روزنامه اسرائیلی بدعوت آحاروت یکی از رسانه‌های بود که بعد از شهادت سردار سلیمانی، سعی کرد در یادداشت‌های به‌ررسی هوشگر و استراتژی‌های سردار قاتانی بپردازد. روزنامه بدعوت آحاروت در یادداشت خود درباره فرمانده جدید سپاه قدس نوشت: «ژنرال اسماعیل قاتانی که ۵ سال پیش اعتراف کرد موشک‌های غزه را تأمین می‌کند، اکنون مسؤولیت بی‌رونی قدس را بر عهده دارد و بر هر گونه انتقامی که ایران قصد دارد علیه او تحمیل کند، بی‌گردد نظر دارد خواهد کرد». بدعوت آحاروت در ادامه می‌نویسد: «اسماعیل قاتانی همانند سلف خود، در دهه ۱۹۸۰ با جنگ ۸ ساله ایران با عراق روبه‌رو شد و بعداً به نیروی قدس پیوست. تگانه به لیست تحریم‌های غربی نباشد و با آنکه وی مدت طولانی یکی از مقامات در سازمان سپاه قدس) بوده است اما هنوز ناشناخته مانده است! البته نویسنده در ادامه به این نکته اشاره می‌کند که سردار قاتانی سال ۲۰۱۲ به اتهام همکاری مالی با سپاه قدس تحریم شده است. این روزنامه هوشیونیست در ادامه به بخشی از سخنان رهبر انقلاب در حکم جدید سردار قاتانی اشاره می‌کند: «در اعلام قاتانی به‌عنوان جانشین سلیمانی، آیت‌الله علی خامنه‌ای او را یکی از برجسته‌ترین فرماندهان در خدمت خود خواند». بدعوت آحاروت مدعی است تحلیلگران غربی به این باورند در حالی که سلیمانی بر کشورهای همسایه غربی ایران به‌رغم تمرکز می‌کرد، قاتانی نیزهای کشورهای شرقی ایران یعنی افغانستان و پاکستان را مدیریت می‌کرده است. به این ترتیب می‌توان ادعان کرد در فرمانده جدید سپاه قدس، هنجارهای غربی با اسرائیلی‌ها یک پدیده پیش‌بینی‌ناپذیر است که عملکردی می‌تواند آنها را با شوک‌های تازه‌تر و غافلگیرکننده‌ای مواجه کند.

«ختی» ایران را به قدرت منطقه تبدیل کرد

دکتر سعد اللہ زارعی

از سال ۱۹۴۸ که سازمان ملل، لطفه مناسب‌ت خاصی را برای همه مردم به همین اساس، همه کشورهای افاد طریق نهادی به نام وزارت خارجا بری‌فشد از سوی نظام سلطانی المللی می‌پردازند. نهاد وزارت خارووده و یک نهاد معمول با دستور

بعد از انقلاب اسلامی این ضرورت حس شد که اگر انقلاب اسلامی، نهادهای تازه را خلق نکند، ظرفیت لازم برای انجام کارهای چارچوبی را نخواهد داشت. اما انقلاب اسلامی قصد در ایجاد وجود و مناسبات روابط بین الملل را به نفع می‌برد، نه به ضرر. به همین ماه و بهیچ وجه، این ضرورت را به صورت خاص در ایران غرب آسیا، به یاد بگیریم، هر دو راهی و مبارزه و ملی‌ترین مسأله خاورمیانه است. اگر شما تاریخ را به دقت مطالعه کنید، می‌بینید وزارت خارجه توانسته است این حربه خستگی را خست بگذارد. اگر این قبله بود به در دیپلماتی فعالیت نکرده، بهیچ‌باید منطقه را دوستی تقدیم آمریکا و رژیم هیونیستی می‌کردیم، سپاه قدس در منطقه خاورمیانه را به پیش گرفتن به منطقه‌ای تبدیل کرد.

همین الان در پرورده
سستین، جهان اسلام
خیانت سران برخی
شورهای عربی مواجه
دهه است. پایبندی
مهوری اسلام به

آرام فلسطین و تلاش سپاه قدس برای احیا و تولمندی ساری جنبش های آزادی بخش فلسطین، نقطه امید مردم منطقه و باعث افتخار و غرور ملت های مسلمان است. اگر پیش از این حمایت جمهوری اسلامی ایران از فلسطین مایه خرسندی توده های مسلمان بود، امروز این احساس خرسندی با وجود خیانت سران کشورهای عربی مضاعف شده است.

مساله فلسطین، تنها یک مساله سرزمینی نیست، تنها مربوط به هویت عربی نیست، بلکه قبله اول مسلمانان است و با هویت اسلامی - قرآنی پیوند خورده است. فعالیت های جمهوری اسلامی در راستای تحقق آرمان آزادی فلسطین، زنده کننده احساس غرور و تولمندی در توده های مردم مسلمان منطقه است.

شما مطمئن باشید اگر نفوذ قدرت نرم جمهوری اسلامی در کشورهای منطقه نبود، سران این کشورها با قدرت بیشتری وارد چالش و رویارویی با ایران می‌شدند اما این نفوذ جمهوری اسلامی است که ترمز این کشورها برای رویارویی خصمانه با ایران را کشیده است؛ نفوذی که مشخصا از سوی سپاه قدس ایجاد شده و دیپلماسی انفعالی وزارت خارجه نقشی در آن نداشته است.

سپاه قدس، خودش را در چارچوبی تعریف شده
محصور نکرده و تلاش کرده شرایطی را ایجاد کند
که جبهه و فضای جدیدی را مناسبات بین الملل را
کنند. شما آثار تلاش را از امریکایی‌ها و ژرمن‌ها
گرفته تا خاور میانه و لبنان و عراق و یمن می‌بینید
اینها همان مؤلفه‌های اصلی قدرت جهانی جمهوری
اسلامی است که اگر این مؤلفه‌ها وجود نداشته
خیلی پیش از این انقلاب اسلامی ایران توسط
قدرت‌های جهانی بلعیده شده بود.
امانه تنها این اتفاق نیفتاد، بلکه
دور بر گشت و امروز این
قدرت‌های جهانی هستند
که منافع خود را از سوی
انقلاب اسلامی ایران در
خطر می‌بینند.

همین الان در پرورده
سستین، جهان اسلام
خیانت سران برخی
شورهای عربی مواجه
دهه است. پایبندی
مهوری اسلام به